

راه‌های تعامل با جوانان

فاطمه اعتمادی*

مقدمه

بسیاری از مشکلاتی که در محیط خانواده، جامعه و کار رخ می‌دهد و می‌تواند منشأ آسیب‌های روحی یا حتی جسمی شود، نتیجه ناکامی در برقراری ارتباط مؤثر میان افراد است. ارتباط، مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل پیوند دهنده انسان با محیط زندگی و اجتماع است. سبک زندگی امروز و حضور پر رنگ فضای مجازی در زندگی افراد، گسست‌هایی را میان نسل امروز با نسل گذشته ایجاد کرده است. والدین از بی‌احترامی جوانان شکایت دارند و جوانان از بی‌توجهی والدین و عدم درک آن‌ها. والدین از بی‌توجهی جوانان و نادیده گرفتن مسائل مهم زندگی گله دارند و جوانان حوصله شنیدن این گله‌ها را ندارند. بزرگ‌ترین مشکل، عدم برقراری یک رابطه خوب و دوستانه میان جوانان و والدین است. اگر والدین بتوانند قبل از اینکه پدر و مادر فرزند جوان‌شان باشند، دوست و رفیق او باشند، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. برای داشتن ارتباطی خوب و سازنده با جوان امروزی، باید او و ویژگی‌ها و آرمان‌هایش را شناخت و آن‌گاه راه‌های ارتباط با او را پیدا کرد. در این مقاله به برخی راه‌های ارتباط خوب با جوان می‌پردازیم.

اهمیت تعامل با جوان

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «فرزند هفت سال مولا، هفت سال

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

بنده و هفت سال وزیر است. پس اگر در سال بیست و یکم روحيات او مورد رضایت تو بود (شکر خدای نما)، والّا وا گذار که در پیش خدا معذوری^۱. بنا بر این حدیث شریف، فرزندان در هفت سال سوم که سنین جوانی است، در حکم مشاور و وزیر خانواده هستند. جوانان، بزرگ‌ترین سرمایه خانواده‌ها و اجتماع هستند که در صورت بهره‌مندی از استعدادها، توانایی‌ها و توانمندی‌های بالقوه به ودیعت نهاده در وجودشان، می‌توان سعادتمند جوان و نیز خانواده و اجتماع را تأمین کرد. داشتن یک ارتباط خوب و صمیمانه با جوان، لازمه بهره‌مندی از این استعدادها و توانمندی‌هاست. برای داشتن این ارتباط صمیمانه، ابتدا باید ویژگی‌های روحی، روانی و شخصیتی جوان را شناخت.

چگونگی تعامل با جوان

یکی از پرسش‌های بنیادی در تعامل با جوان آن است که با چه شیوه‌ای و چگونه با این نسل روبه‌رو شویم. برای ارتباط بهتر با جوان، باید ویژگی‌های روحی، روانی و شخصیتی او را شناخت. در این بخش به برخی از این ویژگی‌ها می‌پردازیم.

۱. شناخت جوان و ویژگی‌های آن

جوانی از نظر فرهنگ‌های مختلف، مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد. روان‌شناسان دوره سنی ۱۷ تا ۳۰ سالگی را دوره جوانی نامیده و آن را با ورود به دانشگاه و آشنایی بیشتر فرد با تفکر منطقی، هم‌زمان دانسته‌اند.^۲ به عبارتی، جوان کسی است که دوره کودکی و نوجوانی را سپری کرده و وارد مرحله جدیدی به نام «جوانی» شده و از نظر جسمی، فکری، روحی و روانی می‌تواند فکر کند، جوانب امر را بررسی و ارزیابی نماید، تصمیم بگیرد و آن را اجرا کند. چنانکه حضرت ابراهیم علیه السلام در ابتدای دوره جوانی تصمیم گرفت که بت‌ها را بشکند؛ سپس تصمیم‌اش را اجرا کرد و بت‌ها را شکست.^۳

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۱، ص ۹۵.

۲. محمدرضا شرفی؛ جوان و بحران هویت؛ ص ۱۴.

۳. انبیاء: ۶۰؛ محمد احسانی؛ جوان: انتظارات و مسئولیت‌ها؛ ص ۲۰.

جوانی مرحله‌ای بسیار حساس، سرنوشت‌ساز و با اهمیت در زندگی است؛ زیرا از یک سو دارای استعدادهایی است که آینده جوامع در گرو آن‌هاست و از دیگر سو در اوج قله توانایی و شکوفایی قرار دارد که در صورت استفاده صحیح از آن‌ها، می‌توان به نتایج بسیار خوبی در زمینه فردی و اجتماعی دست یافت. برای داشتن یک ارتباط خوب و صحیح با جوان، ابتدا باید او را شناخت؛ چنانکه شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

ما اول باید درد این نسل را بشناسیم. درد عقلی و فکری، دردی که نشانه بیداری است؛ یعنی آن چیزی را که احساس می‌کند و نسل گذشته احساس نمی‌کرد.^۱

۲. اهتمام به دوران تربیت جوان

جوان لبریز از هیجان و برافروختگی است که اگر کنترل نشود، می‌تواند خطر آفرین باشد. هدایت نشدن روحیه جستجوگر و کنجکاو جوان، زمینه آلودگی او به انحرافات را فراهم می‌کند. بیداری فطرت در جوان و شور و عشق و شیدایی‌اش تا آنجاست که در شرایط دشوار و سخت مانند دوران دفاع مقدس، حتی از جان خویش نیز در راه رسیدن به آرمان‌ها می‌گذرد.^۲

از دیگر ویژگی‌های جوان، تربیت‌پذیری اوست. جوانی، آخرین مرحله‌ای است که فرد می‌تواند شخصیت خود را تکمیل و از نظر فکری و رفتاری، در باورها و ارزش‌های خود تجدید نظر کند.^۳ از این روست که امام علی علیه السلام در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام فرموده است: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ»^۴ قلب جوان همچون زمین آماده و مستعد کشت است که هر بذری در آن پاشیده شود، می‌پذیرد. یادگیری در دوره جوانی افزون بر اصل پذیرش، از نظر کیفیت نیز در سطح بالایی قرار دارد و پایدارتر از دیگر دوره‌هاست. امام کاظم علیه السلام

۱. مرتضی مطهری؛ ده گفتار؛ ص ۱۸۳.

۲. ر.ک: غلامرضا ویسی؛ «روانشناسی ارتباط با جوان»؛ فصلنامه پیام؛ شماره ۸۹، تابستان ۱۳۸۷، ص ۷۳-۹۰.

۳. محمد خادمی کوشا؛ جوان در پرتو اهل بیت علیهم السلام؛ ص ۴۲.

۴. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ نامه ۳۱.

فرموده است: «مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجْرِ»^۱ کسی که در جوانی علم بیاموزد، مانند نقشی که بر سنگ کنده شود، در جان او نقش می‌بندد. این تشبیه از آن روست که جوان از توانایی زیادی برخوردار است و به خوبی می‌تواند مفاهیم را بفهمد، تجزیه و تحلیل کند و به یاد بسپارد.^۲

۳. زمینه‌سازی رشد استعدادها

اگر چه رشد استعداد جوان تا اندازه‌ای فردی و وابسته به فعالیت‌های اوست، اما خانواده و جامعه باید زمینه‌های آن را فراهم کنند. اگر استعداد جوان در دوران جوانی شکوفا نشود، این فرصت از دست می‌رود و در دوره پیری نمی‌توان آن را جبران کرد. از همین روست که امام علی علیه السلام فرموده است: «بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً»^۳ فرصت را پیش از آنکه اندوه گردد، دریاب.

شکوفا شدن استعدادها، نیازمند زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی دقیق و درست است. خانواده به عنوان اولین نهاد رسمی و تأثیرگذار بر جوان، نقش بسیار مهمی در این زمینه دارد؛ زیرا با شناسایی استعدادها و توانمندی‌های جوان، می‌تواند او را به مسیر درست هدایت کند تا در عرصه بزرگ‌تر یعنی اجتماع، توسط دولت‌ها شکوفاتر شود؛ زیرا دولت صاحب اختیار همه منابع مادی و نیروهای انسانی جامعه است و می‌تواند با برنامه‌ریزی‌های مناسب، استعدادهای بالقوه نسل جوان را به بالفعل تبدیل کند. از همین روست که امام علی علیه السلام به مالک اشتر فرمود: «تَفَقَّدْ مِنْ أُمُورِهِمْ مَا يَتَفَقَّدُ الْوَالِدَانِ مِنْ وَلَدَيْهِمَا»^۴ آن‌گونه درباره امور مردم بیاندهش که پدر و مادر مهربان نسبت به فرزندشان می‌اندیشند و برای آینده او برنامه‌ریزی می‌کنند.

جوان در صورتی به ابتکار و خلاقیت دست می‌یابد که امکانات لازم برای به فعلیت رسیدن توانایی‌های فکری و هنری‌اش فراهم باشد. برای به فعلیت درآمدن

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱، ص ۲۲۲.

۲. محمدعلی حاجی ده‌آبادی؛ بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات؛ ص ۲۷.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ نامه ۳۱.

۴. همان، نامه ۵۳.

استعدادهای جوان و بهره بردن از آن برای پیشرفت جامعه، ابتدا این استعدادها باید توسط خانواده کشف و زمینه فعالیت در مرحله ابتدایی توسط خانواده و سپس در ابعاد بزرگ‌تر توسط دولت در جامعه برای او فراهم شود.^۱ پیمان سرحدی، دانشجوی مخترع و نابغه که پوتین فوق هوشمندی را اختراع کرده است که توانایی شناسایی مواد رادیواکتیو و تمام اشعه‌های آن، مین‌یابی، شناسایی نبض، فشارخون، دما و رطوبت را دارد، می‌گوید: «من اختراع را در سال ۱۳۸۲ زمانی که یک دانش‌آموز بودم، آغاز کردم و از آن به بعد به تحقیق و پژوهش علاقمند شدم؛ اما فعالیت‌های اصلی و مهم من در زمان دانشجویی و بعد از آن بود. در این مسیر خانواده‌ام همیشه همراه من بودند و زمینه رشد و استعدادیابی را برایم فراهم کردند».^۲

۴. محبت و احترام

انسان ذاتاً دوست دارد مورد محبت و احترام دیگران قرار گیرد. این نیاز فطری در رفتار انسان و برخورد او با دیگران ظهور می‌یابد؛ گاه به شکل ارتباط کلامی و گفتار محبت‌آمیز و گاه در قالب رفتار و ایجاد دوستی و رفت و آمد با همسالان، همسایگان و خویشاوندان. اگر چه نیاز به محبت، ذاتی است و از دوره کودکی در نهاد انسان وجود دارد، اما در دوران جوانی بیشتر آشکار می‌شود؛ چرا که استعدادها و انسان در این دوره کاملاً شکوفا می‌شود و گرایش‌های طبیعی و فطری وی به فعلیت می‌رسد. خانواده باید این نیاز جوان را درک کند، با او رفتار محترم و محبت‌آمیز داشته باشد و روحیه دیگرخواهی او را پرورش دهد.^۳ اشباع نشدن نیاز جوان به محبت و احترام از سوی خانواده، زمینه پیدایش بسیاری از نگرانی‌های روحی و روانی، اضطراب، استرس و ترس‌های غیرمنطقی را در وی ایجاد می‌کند.^۴ تأمین این نیاز جوان افزون بر اینکه پاسخی به نیاز درونی اوست، آثار فردی و

۱. محمد احسانی؛ *جوان: انتظارات و مسئولیت‌ها*؛ ص ۸۹.

۲. باشگاه نخبگان دانشگاه پیام‌نور؛ «مصاحبه با نخبگان».

<http://bn.pnu.ac.ir/Portal/home/706678>

۳. محمد احسانی؛ *جوان: انتظارات و مسئولیت‌ها*؛ ص ۷۱.

۴. سید احمد احمدی؛ *روانشناسی نوجوانان و جوانان*؛ ص ۷۷.

اجتماعی فراوانی نیز به دنبال دارد. در واقع محبت، اکسیری است که بسیاری از دردها و بیماری‌های روحی و روانی جوان را درمان می‌کند.^۱ نقل است روزی علامه جعفری در اوایل انقلاب به دانشگاه فنی تهران برای سخنرانی رفت. جلسه ۴ ساعت به طول انجامید و پس از پایان جلسه نیز دانشجویان اطراف ایشان جمع شدند و سؤال‌های خود را مطرح می‌کردند. ایشان بسیار خسته شده بود. جمعیت که متفرق شد، دانشجویی جلو آمد و با عصبانیت و لحنی بی‌ادبانه علامه را نقد کرد. علامه که بسیار خسته شده بود و جایی برای نشستن نداشت، عبايش را روی زمین پهن کرد و نشست. سپس گفت: «بیا بنشین جوان تا جوابت را بدهم». دانشجوی جوان از این رفتار علامه بسیار شرمند شد و با حالتی خجالت‌زده گفت: «من جواب همه سؤال‌هایم را گرفتم». بعدها که آن جوان برای تحصیل به خارج از کشور رفته بود، با علامه تماس می‌گیرد و می‌گوید: «آن تازیانه‌ای که با اخلاق‌تان آن روز به من زدید، همچنان دارد مرا در زندگی با خود می‌برد».^۲

جوان به دلیل ویژگی‌های روحی و روانی خاص خود، بیش از دیگران تحت تأثیر تکریم و احترام قرار می‌گیرد؛ زیرا به دلیل تربیت‌پذیری و روحیه هم‌گرایی با مردم، دوست دارد همواره خانواده و جامعه با دید مثبت به او نگاه کنند.^۳ از همین روست که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره تکریم و احترام به فرزندان فرموده است: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ»^۴ به فرزندان خود احترام بگذارید و آنان را آداب نیکو بیاموزید تا گناهان شما آمرزیده شود».

۵. همراهی و همدلی

بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری نسبت به رفتار و گفتار جوان، بر هم زنده آرامش اوست. برای هدایت جوان در رسیدن به آزادی، تفکر، استقلال رأی و احساس مسئولیت

۱. محمدجواد طبعی مروجی؛ حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت عليهم السلام؛ ص ۶۰.

۲. خبرگزاری تحلیلی خبرآنلاین؛ «شیوه برخورد علامه جعفری با دانشجوی عصبانی»؛ ۱۳۹۳/۰۴/۱۵.
<https://www.khabaronline.ir/news/363746>

۳. ر.ک: دوآن شولتز و سیدنی ال شولتز؛ نظریه‌های شخصیت؛ ترجمه یحیی سید محمدی؛ ص ۱۲.

۴. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۱، ص ۴۷۶.

فردی و اجتماعی، باید در نهایت متانت و بدون دخالت مستقیم یا تحمیل، او را در راه ناهمواری که پیش رو دارد، هدایت کرد. در واقع باید در مسائل با او همدلی کرد و از دریچه نگاه او به قضایا و اتفاقات نگریست. خوب گوش دادن به جوان، سبب می‌شود تا او از والدین بیاموزد چگونه با آن‌ها همدلی کند. بنابراین والدین باید ضمن بیان احساسات خود برای جوان، احساس او را نیز درک کنند و بکوشند تا با کمک جوان راهی برای حل مسائل بیابند؛ زیرا در چنین شرایطی است که جوان آمادگی و پذیرش بیشتری برای متقاعد شدن دارد.^۱

۶. مسئولیت‌سپاری به جوان

مسئولیت و تعهد در زندگی، حقیقتی غیر قابل انکار است که آیات قرآن نیز با صراحت به آن اشاره دارد: «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ»^۲ آنان را متوقف کنید؛ زیرا آنان مورد سؤال و بازخواست هستند». جوانی، دوره احساس مسئولیت و انجام وظیفه است و هر جوانی دوست دارد به خانواده و جامعه خود خدمت کند. مسئولیت‌خواهی جوانان، ناشی از ویژگی‌های جسمی و روانی آن‌هاست که از سویی توانایی لازم برای انجام کار را دارند و از سوی دیگر به نقش‌آفرینی علاقمند هستند. از آغاز نوجوانی و جوانی باید برخی مسئولیت‌ها را در خانواده به آنان سپرد تا ضمن پاسخگویی به احساس مسئولیت و مطالبه‌شان، آنان را برای انجام وظایف مهم سیاسی و اجتماعی آماده کرد. چنانکه پیامبر اسلام ﷺ فرماندهی سپاه اسلام در جنگ با روم را به اسامه بن زید سپرد و به همه انصار و مهاجران دستور داد در سپاه وی شرکت کنند. اگر چه بسیاری از صحابه با فرماندهی وی مخالفت کردند و جوانی او را بهانه قرار دادند، اما پیامبر ﷺ در مسجد حضور یافت و مخالفان اسامه را سرزنش کرد و فرمود: «جَهِّزُوا جَيْشَ أُسَامَةَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَخَلِّفَ عَنْ جَيْشِ أُسَامَةَ»^۳ سپاه اسامه را تجهیز

۱. ر.ک: غلامرضا ویسی؛ «روانشناسی ارتباط با جوان»؛ فصلنامه پیام؛ شماره ۸۹، تابستان ۱۳۸۷، ص ۷۳-۹۰.

۲. صافات: ۲۴.

۳. محمد بن حسن حر عاملی؛ اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات؛ ج ۳، ص ۳۶۹.

کنید و خدا لعنت کند هر کسی را که از سپاه اسامه رویگردان شود». مقام معظم رهبری درباره نتیجه اعتماد و مسئولیت‌سپاری به جوانان می‌فرماید: «اگر ما به جوان اعتماد کنیم، از غیر جوان هم بهتر و مسئولانه‌تر کار را انجام می‌دهد؛ هم سریع‌تر پیش می‌برد، هم کار را تازه‌تر و همراه با ابتکار بیشتری به ما تحویل خواهد داد».^۱ در واقع جوان، عنصری فعال و حساس در جامعه است که می‌تواند منشأ بسیاری از دگرگونی‌های اجتماعی باشد. از این رو والدین و بزرگان جامعه باید با بهره‌گیری از توانمندی‌های او، از سویی توانایی‌هایش را در چرخه گسترده خانواده و جامعه به کار بیندازند و از سوی دیگر، حس قدردانی را در وجودش نهادینه کنند. چنانکه در طول هشت سال دفاع مقدس، فرماندهی جوانان نیرومند با ایمانی چون شهیدان زین‌الدین، همت، باکری، باقری، هادی، وزوایی، کاظمی و ... پیروزی‌های درخشانی را برایمان به ارمغان آورد. شهید سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی، یکی از این فرماندهان برومند و با ایمان بود که در دوران جوانی نیز در جبهه‌های جنگ علیه باطل، حماسه‌ها آفرید. ایشان درباره رشد و شکوفایی خلاقیت‌های جوانان در هشت سال دفاع مقدس می‌فرمود:

جبهه تنها جایی بود که توانست انسان‌های بهشتی صفت تربیت کند. در طول جنگ هنرهای نهفته جوانان بیدار شد، خلاقیت‌ها آشکار شد، رزمندگان و فرماندهان خلاق و کارآموده ساخته شدند و خلاصه وحدت و یکپارچگی در ملت ایجاد شد.^۲

۷. مشورت با جوان

جوان به سبب حس استقلال‌خواهی است که دوست دارد در مسائل زندگی مستقل و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده و اجتماع سهیم باشد. قرآن نیز جوانان را به سهم‌گیری در این مسأله دعوت کرده است و حتی به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که

۱. بیانات در دیدار جمعی از جوانان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷.

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2884>

۲. همشهری آنلاین؛ «مأموریتیم به جبهه ۱۵ روزه بود، اما تا آخر جنگ برنگشتم»؛ ۱۳۹۱/۰۷/۰۳.
<https://www.hamshahrionline.ir/news/185638>

با مردم، به‌ویژه جوانان مشورت و از آنان نظر خواهی کند: «و شاورهم في الأمر»^۱ و در کارها با آنان مشورت کن». امام رضا علیه السلام درباره این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَسْتَشِيرُ أَصْحَابَهُ ثُمَّ يَعَزُّمُ عَلَى مَا يُرِيدُ»^۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته از اصحابش در کارهای مشورت خواهی می‌کرد و سپس برای انجام دادن خواسته‌اش تصمیم می‌گرفت». چنانکه در جنگ بدر وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مصادره کاروان اموال قریش در مقابل اموال مصادر شده مسلمانان از مدینه خارج شد، با یارانش که اغلب جوان بودند، درباره اصل جنگ، تعیین مکان نبرد و اسیران جنگ مشورت کرد. حاصل این مشورت، پیروزی سپاه اسلام در جنگ بدر بود.^۳

گاهی باید اعضای خانواده دور هم بنشینند و در مسائل خانوادگی و مشکلاتی که پیش می‌آید، با یکدیگر مشورت کنند، دخل و خرج خود را بسنجند و برای سال آینده تکالیفی در نظر بگیرند. با چنین جلسات شور و مشورتی، فرزندان به مسئولیت و فداکاری پدر و مادر و به وظایف خود و به رموز زندگی آشنا می‌شوند، به مشورت کردن در کارها و به روش زندگی دموکراسی خو می‌گیرند و می‌فهمند که در مقابل خواسته‌های دیگران باید با رضا و رغبت، از برخی خواسته‌های خود چشم‌پوشند و از قوانین اجتماع اطاعت کنند. همچنین یاد می‌گیرند که چگونه با نیروی تدبیر و در نتیجه همکاری، می‌توان بر مشکلات پیروز شد.^۴ جوان‌هایی که در خانه مورد مشورت والدین و شریک در حل مسائل زندگی هستند، مرحله طولانی‌ای از رشد فکری را پیموده و از هم‌سن و سالان خویش به موفقیت و شادکامی نزدیک‌ترند.

دختر آیت‌الله شهید بهشتی رحمته الله علیه می‌گوید:

زندگی در یک آپارتمان در آلمان، خیلی یکنواخت و خسته‌کننده بود؛ به‌ویژه برای ما که فرزندان خردسالی بودیم و از ایران با آن همه آشنایانی که داشتیم وارد محیط

۱. آل‌عمران: ۱۵۹.

۲. محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۲، ص ۴۴.

۳. محمد بن عمر واقدی؛ المغازی؛ ترجمه محمود مهدوی دامغانی؛ ج ۱، ص ۴۸.

۴. محمدتقی فلسفی؛ جوان از نظر عقل و احساسات؛ ج ۱، ص ۴۴۲ و ۴۴۳.

غربت شده بودیم. پدرم برای جبران این مسأله معمولاً آخر هفته ما را به اطراف هامبورگ برای تفریح و استراحت می برد. جالب اینجا بود که حتماً قبل از این مسافرت‌های کوتاه از همه ما سؤال می کردند: «بچه‌ها این هفته کجا برویم بهتر است؟» وقتی نظر ما را می گرفتند، حرکت می کردیم. با این روش حتی برادر چند ساله‌ام هم احساس می کرد که نظرش در خانه مهم است و به حساب می آید.^۱

نتیجه‌گیری

جوانی، دوران شور و حرارت، توانمندی و آموختن است. اگر این گروه از جامعه راه صلاح و درستی را بیمایند، بسیاری از مشکلات جامعه حل می شود و جامعه به سمت خوشبختی حرکت می کند؛ زیرا جوان فردی تأثیرگذار در جامعه است. از این رو والدین و مربیان جامعه باید با ارتباط و تعامل خوب با جوان، او را به سوی آموزه‌های دینی هدایت کنند تا ضمن بهره‌مندی از توانمندی‌هایش در مسیر سعادت خود و جامعه، از خطرات و آلودگی‌ها مصون بدارند.

فهرست منابع

کتاب

۱. احسانی، محمد؛ جوان: انتظارات و مسئولیت‌ها؛ قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸ ش.
۲. احمدی، سید احمد؛ روانشناسی نوجوانان و جوانان؛ اصفهان: نشر صغیر، ۱۳۹۲ ش.
۳. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ش.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ ق.
۵. _____، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات؛ چاپ اول، بیروت: اعلمی، ۱۴۲۵ ق.
۶. خادمی کوشا، محمد؛ جوان در پرتو اهل بیت علیهم‌السلام؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.

۱. مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان؛ «سیره عملی بزرگان در تربیت فرزند». ۱۳۹۱/۱۰/۱۸
<https://article.tebyan.net/233623>

۷. شرفی، محمدرضا؛ *جوان و بحران هویت*؛ تهران: سروش، ۱۳۸۰ ش.
۸. شریف‌الرضی، محمد بن حسین؛ *نهج‌البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۹. شولتز، دوآن و سیدنی الن شولتز؛ *نظریه‌های شخصیت*؛ ترجمه یحیی سید محمدی؛ تهران: نشر هما؛ ۱۳۷۸ ش.
۱۰. طبسی مروجی، محمدجواد؛ *حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام*؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
۱۱. فلسفی، محمدتقی؛ *جوان از نظر عقل و احساسات*؛ چاپ پانزدهم، تهران: هیأت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۸ ش.
۱۲. مجلسی، محمدباقر؛ *بحارالانوار*؛ تحقیق جمعی از محققان؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. مطهری، مرتضی؛ *ده گفتار*؛ تهران: راه امام، ۱۳۹۸ ق.
۱۴. واقدی، محمد بن عمر؛ *المغازی*؛ ترجمه محمود مهدوی دامغانی؛ چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ ش.

مقالات

- ویسی، غلامرضا؛ «روانشناسی ارتباط با جوان»؛ فصلنامه پیام؛ شماره ۸۹، تابستان ۱۳۸۷، ص ۷۳-۹۰.

سایت‌ها

۱. باشگاه نخبگان دانشگاه پیام‌نور؛ «مصاحبه با نخبگان»، کد مطلب: ۷۰۶۶۷۸.
۲. خبرگزاری تحلیلی خبرآنلاین؛ «شیوه برخورد علامه جعفری با دانشجوی عصبانی»؛ ۱۳۹۳/۰۴/۱۵، کد مطلب: ۳۶۳۷۴۶.
۳. مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان؛ «سیره عملی بزرگان در تربیت فرزند». ۱۳۹۱/۱۰/۱۸، کد مطلب: ۲۳۳۶۲۳.
۴. همشهری آنلاین؛ «مأموریتم به جبهه ۱۵ روزه بود، اما تا آخر جنگ برنگشتم»؛ ۱۳۹۱/۰۷/۰۳، کد خبر: ۱۸۵۶۳۸.